

گزارش

زلزله های مرگبار قرن در ایران

ایران براساس اطلاعات مراکزعلمی، روی گسل‌های زلزله قرار داد و همواره احتمال بروز زلزله‌های مختلف با قدرت‌های گوناگون در کشور ما وجود دارد، اما افسوس که این دغدغه همیشگی هیچ‌گاه به برنامه‌ریزی‌های جدی و اساسی منجر نشده است. به همین خاطر بعد از هر زمین لرزه مرگبار، آه و افسوس باقی می‌ماند و چشم‌های نگران و مضطرب برای زمین لرزهای دیگر.

ایران دارای گسل‌های مهمی در رشته کوههای زاگرس و البرز و در مناطقی همچون کازرون، دنا، میناب، اردل، زردکوه، آماجاری و مارون است. گسل‌های فعال در ایران مرکزی نیز در درونه، بینالود، میامی، ترود، انجیلو، کلمرد، پشت بادام، قم- زفره، ایندس، دشتیبر، سروسنان، شهداد، کوهبنان، جرجافک، گلباف، نایبند و مناطق خاور و جنوب خاوری ایران در نهبندان، یسارگرد، هریزود، کشف رود واقع شده اند. همچنین در استان‌های آذربایجان گسل ارمیه - زرینه‌رود، آستارا، تبریز، سلطانیه، سمنان، مشاء - فشم، کندوان، شمال تهران، دامغان، عطاری فعال اند.

این گسل‌ها نیز دلیل اصلی بروز و وقوع زمین لرزه در شهرهای مختلف کشور است که تاکنون زمین لرزه‌های فراوانی را در طول قرن‌ها سبب شده اند. سال ۱۲۸۸ هجری شمسی در منطقه «سیلاخور» لرستان، زمین لرزه‌ای به بزرگی ۷/۴ ریشتر رخ داد که هشت هزار کشته وتخریب ۶۴ روستا را به همراه داشت.

سال ۱۳۰۹ زمین لرزه‌ای با بزرگی ۷/۴ ریشترشهر سلماس در آذربایجان غربی را لرزاند که در این زلزله بزرگ ۲ هزار و ۵۱۴ نفر کشته شدند و ۶۰ روستا تخریب شد. سال ۱۳۳۹ زلزله‌ای با قدرت ۷٫۶ ریشتر شهر لار استان فارس را لرزاند که ۴۰۰ کشته و تخریب ۷۵ درصدی منطقه را به دنبال داشت.

زمین لرزه یوشین زهرا نیز با شدت ۷/۶ ریشتر در سال ۱۳۴۱ نیز حدود ۱۰ هزار کشته برجا گذاشت.

سال ۱۳۴۷ زمین زمین لرزه‌ای به بزرگی ۷/۴ ریشتر دشت بیاض در استان خراسان را لرزاند که منجر به کشته شدن ۱۰ هزار و ۵۰۰ نفر و تخریب ۶۱ روستا شد.

سال ۱۳۵۵ هم منطقه قیردر استان فارس باوقوع زلزله‌ای به قدرت ۶/۹ ریشتریوران شد که چهار هزار کشته داشت. در سال ۱۳۵۶ خورگو در استان هرمزگان با شدت هفت ریشتر لرزید که ۱۲۸ نفر کشته شدند. زلزله طیس نیزسال ۱۳۵۷ با شدت



۷/۷ ریشتر، ۱۹ هزار و ۶۰۰ کشته برجا گذاشت و تخریب ۱۶ روستا را به دنبال داشت.

همچنین در سال ۱۳۵۸ هم شهرستان قائن در استان خراسان جنوبی با شدت ۷/۱ ریشتر لرزید که در اثر آن ۱۲۰ نفر جان باختند.

یکی دیگر از زلزله‌های بزرگ هم سال ۱۳۶۰ در منطقه سیرج استان کرمان با شدت ۷/۴ ریشتر رخ داد که بر اثر آن یک هزار و ۳۰۰ نفر کشته شدند و ۸۵ درصد شهر تخریب شد.

زلزله رودبار و منجیل در سال ۱۳۶۹ با شدت ۷/۴ ریشتر با ۲۵ هزار کشته یکی از بزرگ‌ترین و مرگبارترین زلزله‌ها در کشور بود.

در بیرجند هم سال ۱۳۷۶ زلزله‌ای با قدرت ۷/۳ ریشتر رخ داد که یک هزار و ۵۰۰ نفر کشته داشت. در سال ۱۳۸۱ آج در استان همدان نیز در اثر زمین لرزه با خسارات زیاد در شهر و روستاها و چند صد کشته و مجروح رویه رو شد. شدت این زلزله نیز ۶٫۶ ریشتر بود.

زلزله بم که سال ۱۳۸۲ با قدرت ۶/۵ ریشتر رخ داد، موجب مرگ ۴۱ هزار نفر شد و شهر را با خاک یکسان کرد.

زلزله بعدی سال ۱۳۸۳ در قزوینآباد استان فارس با شدت ۶/۳ ریشتر رخ داد که این زلزله منجر به ریزش کوه و خسارات زیادی شد. ززند کرمان هم در سال ۱۳۸۳ با زلزله ۶/۴ ریشتری لرزید که ۶۱۴ نفر در آن کشته و ۱۰ روستا تخریب شد. فروردین سال ۸۵ چند زمین لرزه که بزرگترین آن ۶/۳ ریشتر بود درود در حوالی استان لرستان را لرزاند. این زمین لرزه ۸۴ کشته و یک هزار و ۲۴۶ مجروح برجا گذاشت و موجب تخریب ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصدی حدود ۳۳۰ روستا از شهرستان‌های دورود، بروجرد، خرم‌آباد و الشتر استان لرستان شد.

سال ۱۳۸۹ نیز زمین لرزه‌ای با شدت ۴/۹ ریشتر در شهرستان دورود رخ داد و بر اثر آن تعدادی واحد مسکونی در دورود دچار خسارت شدند و بیش از ۱۰۰ زخمی برجا ماندند.دیگر زمین لرزه‌های بزرگ در ایران مربوط به ۲۱ مرداد ماه سال ۹۱، به بزرگی ۶ و ۶/۲ ریشتر در اعماق درونی زمین شهرستان‌های اهر، ورزقان و هریس در استان آذربایجان شرقی رخ داد که ۲۴۵ روستا را لرزاند و بیش از ۲۱۰ کشته و پنج هزار زخمی و مجروح داشت.

۳۰ فروردین ۱۳۹۲ زلزله‌ای به بزرگی ۶/۱ ریشتر استان بوشر را لرزاند. همچنین بزرگترین زلزله نیم قرن گذشته زلزله ۷/۸ ریشتری در سراوان بود که ۲۸ فروردین ۱۳۹۲ رخ داد. این زمین لرزه ۱۰۰ کشته و زخمی داشت.براساس آمارها حدود ۲۱ مورد زلزله بزرگ طی ۱۰۰ سال اخیر در ایران رخ داده است که زمین لرزه شامگاه یکشنبه کرمانشاه با قدرت ۷/۲ ریشتر می‌تواند به این امار اضافه شود.

نگاه

آهای فرهاد، تیشه ات را بیاور و سنگ‌ها را بتراش

فرهاد خادمی

روزنامه‌نگار

وحالا دیشب/ کرمانشاه، قصر شیرین، ایلام، سرپل ذهاب آهای زلزله، زلزله

چرا ربایمان نام نمی‌کند؟ او کودک را از آوار خارج کردم در بم، در رودبار.... خودم با دستم آن کودک را از آوار خارج کردم در بم، در رودبار....

لعنت به من، لعنت به تو که هموطن مردم‌ها را دیدم و تو او را کشتی لعنت به تو زلزله

و دیشب... / آن غیور مرد کرد/ هروله می‌کرد در میان تلی از آوارها... مویه می‌کرد مادری در پی کودکش اشکم و بغضم امان نمی‌دهد/ تا دگر بار آن صحنه‌ها را تصور کنم لعنت به تو زلزله/ که دیشب خواب از چشم هموطنم گرفتی

لعنت به تو که زشت و آجر را بر سرشان ریختی شیرین و فرهاد امروز و هر روز به کلاس درس نمی‌رسند لعنت به تو زلزله/ که هروله را برای یافتن پیکر دوست گذاشتی آهای فرهاد، آهای شیرین/ کجایی شیدید، تا بتازی در میان آوارها؟ آهای فرهاد تیشه‌ات را بیاور! /سنگ‌ها را بتراش تا جنازه‌ها را بباییم آهای فرهاد/ دیشب بیستونت لرزید/ همچون وقتی که شیرینت رفت! فرهاد بیا و هروله کن در میان آوارها لعنت به تو زلزله/ لعنت به تو زلزله

»

آسمان بی‌هساره

فقیح آرمان

شوبی‌مانک و آسمان بی‌واران بوی،

«آسمان بی‌هساره

شوبی‌مانک

جدایی‌کو

بی‌ریل خاموش

سردمه

بارندیلیم‌بسامه

باید بیچم

مه وزیرری‌ملیکم

نبوده‌دسلیم

ای جنازه که دینی روله منه

ای چاله که دینی دوتشو مال منوو.»

«آسمان بی‌ستاره، شب بی‌متهاب. جاده‌های کیود، کوره راه‌های خاموش. سردم است. بقچه‌ام را بسته‌ام. باید بروم. من دهقان بی‌دل هستم، دست‌هایم را نگاه کن، این جنازه که می‌بینی پسرک من است. سردش است. این گودال که می‌بینی تا دیروز خانه ما بود. ولی حالا... سرپل ذهاب، مریوان، قصر شیرین، دالاهو، کرمانشاه، ایلام و ایران من تنبوری شد! زغم. وقتی بغض در دل دالاهو لرزید، اشک ایران هم جاری شد. محصول بی‌حاصل. درخت بی‌ریشه. سفره بی‌نان. آه... نان! مادرم نان

گروه حوادث: داریوش آرمان، «آرتین»

شبی صبرانه منتظر بود تا پدرمثل هر شب به خانه برگردد. اما آن شب با تمامی شب‌های دیگر متفاوت بود. مادر همانطور که بادکنک‌های رنگی را باد می‌کرد و به دیوار آبرتمان می‌چسباند از پسرک کوچولوش خواست کمی آرام‌تر بیلا و پاپین بیردد تا صدایش از سقف کاغذی زیرپایشان برای همسایه‌ها مزاحمت ایجاد نکند. اما آرتین که آرام و قرار نداشت همچنان در سایه نگاه‌های معنادار اما مهربان مادر، جست و خیز می‌کرد. تا اینکه سرانجام رنگ به صدا درآمد و مرد خسته، اما خندان وارد خانه شد. همان موقع پسرک کوچولو با عجله به سوی دردیود و در میانه چارچوب چسبید به پای پدر، «بابا بابا، کادوی تولدم را خریدی؟ بابا، بابا جون دوچرخه‌ام کجاست؟! پسرک از شدت خوشحالی سر از پا نمی‌شناخت و پدر در اوج خستگی او را در آغوش کشید و همانطور که پسرشیرین زایشان را غرق بوسه کرده بود گفت: «بله عزیزم. معلومه که کادوی بعد هم پدر دوچرخه کادویبیچ را از پشت در آبرتمان به دست گرفت و وارد خانه شد. پسرک دیگر سر از پا نمی‌شناخت، باخوشحالی به جان مقواها افتاد و با زحمت زیاد جعبه را بازکرد. همان موقع مادر از آشپزخانه آنها را صدا زد تا سر میز شام بروند. مرد لباس‌هایش را آویخت و به آشپزخانه رفت. گرم صحبت با همسرش بود که ناگهان هردو نگاهشان به پسرک کوچولوشان افتاد که از شدت خوشحالی سراپا نمی‌شناخت. آنها مشغول خوردن شام بودند که ناگهان زمین زیرپایشان لرزید. آنها تصور نمی‌کردند که این اتفاق شومی در راه است. اما لحظاتی بعد همه جا تاریک شد و زن و شوهر و فرزندشان با ترس از آوار رفتن شدند و دیگر هیچکس صدایشان را نشنید. آن‌ها هم زلزله آمد بود. زلزله‌ای مهیب و ویرانگر که همه را غافلگیر کرده بود. زلزله‌ای که به فاصله چند ساعت ایران را در بهمت و ماتم عمیقی فروبرد. زلزله‌ای که جان صدها تن از هموطنان عزیزمان را در چند لحظه گرفت و صدها مجروح و ناپدید برجا گذاشت. همه چیز از شامگاه یکشنبه اتفاق افتاد. زمانی که مردمان شهرهای غربی کشور، آرام آرام برای خواب شبانه آماده می‌شدند. ولی ناگهان خشم زمین خواب را برچشمانشان حرام کرد و فاجعه رقم خورد. دقایقی بعد مردم وحشت‌زده به خیابان‌ها دویدند. همه شوکه و ماتم زده بودند. خیلی‌ها هنوز نمی‌دانستند چه فاجعه‌ای رخ داده. صدای شیون زنان و مردان از هرکوی و خانه‌ای به گوش می‌رسید. اما همه درد داشتند. دردی عمیق و جانکاه. مادری با صدای خسته و بغض‌آلود فرزندانش را صدا می‌زد که بیز ویرانه‌ها مانده بودند. پسرخردسالی وحشت‌زده در جست‌وجوی پدرومادرش بود. مردان وزنتی با دست خالی به جان آوار ویرانگر افتاده بودند تا شاید عزیزان‌شان را نجات دهند. صدای آژیر آمبولانس‌ها در کوچه و خیابان‌ها طنین‌انداز شده بود. در چندین شهروستا صدها خانه، مغازه و ساختمان ویران شده بودند. نیروهای امدادی گروه گروه خود را به کانون‌های حادثه رسانده بودند. در مناطق لرزه‌زده هیاهویی برپاست. هزاران نفر بی‌صبرانه و دل‌نگران به دنبال یافتن نشانی از عزیزان‌شان هستند که در زلزله ناپدید شده‌اند. ساعاتی بعد که عمق فاجعه مشخص شد تمامی مسئولان و دست‌اندرکاران برای کمک‌رسانی به حادثه‌دیدگان وارد میدان شدند.



» ۴۰۷ کشته و ۶۶۵۰ مجروح

زمین لرزه ۷٫۳ ریشتری یکشنبه شب در کرمانشاه، تا عصر دیروز ۴۰۷ کشته و بیش از ۶۶۵۰ نفر مجروح داشت. مرکز این زمین لرزه «ازگله» در نزدیکی مرز بود. براساس آمارهای اولیه، سرپل ذهاب، ازگله، قصر شیرین، ثلاث باباجانی و کرند بیشترین آسیب وخسارت را دیده‌اند. در همین حال حدود هزار امداد گر، صدها نفر از نیروهای ارتش، سپاه، ناجا و سایر دستگاه‌ها و ارگان‌ها با صدها آمبولانس، ۲۰ فروند بالگرد و ده‌ها سگ زنده‌یاب مشغول امداد رسانی در مناطق لرزه زده هستند.



پس لرزه آن هم ساعت ۲۱ و ۵۹ دقیقه یکشنبه شب به بزرگی ۴ و ۶ دهم ریشتر رخ داد.

مشکلات متعددمرگ‌زنده

شهرستان سرپل ذهاب از صبح دیروز دچار مشکلات متعددی از جمله اسکان، تغذیه و کمبود امکانات درمانی و رفاهی است. اغلب مردم هراسان و با چادرهای شخصی در اطراف کیمپ مستقر شده‌اند

است. اغلب مردم هراسان و با چادرهای شخصی در اطراف کیمپ مستقر شده‌اند از جمله آب آشامیدنی، چادر و تغذیه مناسب هستند. اکثر ساختمان‌های شهر دچار خسارت از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد شده‌اند. مراکز آموزشی و درمانی هم بشدت آسیب دیده‌اند. در این بین مردم همچنان نگران و مضطرب‌اند. پمپ بنزین‌ها بشدت شلوع است و در این بین دستگاه‌های امدادی هر چند در حال خدمات‌رسانی اند ولی نیازهای جدی در شهر محسوس است. اکثر مردم از وضعیت اسکان و تغذیه نارضی‌اند. خانه‌هایی که دچار خسارت شاد پس لرزه‌ها با قدرت کمتر اما تعداد بالاتر هستیم. رئیس مرکز لرزه‌نگاری کشور گفت: این زلزله منطقه وسیعی در ایران را لرزاند است و آنهایی که در شهرهای دورتر، زمین لرزه را احساس کرده‌اند، نباید نگرانی داشته باشند.

مهاجری درختلایس لرزه‌زده

مرادی، رئیس مرکز لرزه‌نگاری کشور گفت: با توجه به بزرگی زمین لرزه اخیر در «ازگله» کرمانشاه باید انتظار داشته باشیم تا چند ماه آینده پس لرزه‌های بزرگ و متعددی در این منطقه رخ دهد. علی‌مرادی با اشاره به اینکه در ساعت ۲۱ و ۴۸ دقیقه شامگاه یکشنبه زلزله‌ای به بزرگی ۷/۳ دهم ریشتر در عمق حدود ۱۱ کیلومتری منطقه ازگله کرمانشاه روی داد و در این بین مردم همچنان نگران و مضطرب‌اند. پمپ بنزین‌ها بشدت شلوع است و در این بین دستگاه‌های امدادی هر چند در حال خدمات‌رسانی اند ولی نیازهای جدی در شهر محسوس است. اکثر مردم از وضعیت اسکان و تغذیه نارضی‌اند. خانه‌هایی که دچار خسارت

می‌بخت که زمین، خانه‌اش را بلعید. برایم کوفته کرمانشاهی پخته بود.ای به قربان آن دست‌های مهربانش که نوازشم می‌کرد. به قربان دست‌هایش که حالا زیر انبوهی از سنگ و آجر مدفون است. به آن شانه سر نگاه کن، مال دختر کوچولوی همسایه‌مان است. همسایه، راستی کدام سایه؟ کدام سقف؟ شب بود. سرد بود. زمین ترک برداشت. خانه‌ام مرا ترک کرد. محصول بی‌حاصل شد. درخت از ریشه جدا ماند. سایه‌های بی‌صدا برفراز آسمان لغزیدند. پدرم رفت تا همیشه. آن پایه‌های سست لرزان چوبی که می‌بینی کرسی مادربزرگم است. نوه‌اش تازه از سرپازی برگشته بود. حالا نه خودش هست و نه پسرک پوتین به پایي که درگهواره لرزان زمین رفتند و رفتند تا بی‌نهایت.ای باران! غصه‌های مرا ببین. این آجرهای قدیمی که می‌بینی و این ویرانه‌ها، تکه پاره‌های قلب من هستند. چاله‌های خاک تا همین چند روز پیش پناه امن من و مرد خانه‌ام بود. دره‌های آفتابی غرب ایران زمین، تاک‌های انگور، آسمان پهناور، کوه‌های بلند، کوهچ پس کوهچ‌هایی که هنوز داغدارخیمپاره‌های جنگی‌اند حالا مزارایی است بزرگ برای مردان، زنان و کودکان سز زمین مان. مزار کودکان، جوانان، مادران، پدران، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایی که درلحظه‌ای به اندازه چشم برهم زدن درگیر دل آشوبه‌های زمین شدند. اما اندوه بهت‌ آلودی که درنگ‌ها ما می‌بینی از تنهایی است. دم به دم حال ما آشفته‌تری می‌شود. قراراست شب‌های سردتری داشته باشیم. درصورت‌های ما تنها دوچشم مانده است. چشم‌هایی که درمیان آواربه



دنیال یک صدمای گردند. به دنبال یک ستاره که بگوید من هنوز زنده‌ام. به آن پسرچوان خوب نگاه کن. او که در کنار آن گودال به خاک افتاده تا درگوشه‌ای دنج بغض از گلو بگیرد. او که زانوانش را به سینه تکیه داده است. اشک می‌ریزد آرام... نمی‌داند به خواهرها و برادرهایش ببیندش یا به نامزد مهربانش که قرار بود بعد از ماه صفر باهم به خانه بخت بروند. خانه... دلش می‌گیرد از تکرار... خانه... خانه... اما در پهنه بی‌کران این روزهای تاریک حتی درمیان تکه پاره‌های آهن و خون و ضجه‌های مادران فرزند از دست داده می‌دانیم که مردم خوبمان تنهاییمان نمی‌گذارند و این تنها دلخوشی روزها و شب‌های دشوارمان است و بس. خدایا رضای ام به رضای تو.

بغض تنبور در حنجیره دالاهو



دیروز یک مادر و دختر از زیر آوار نجات یافتند.به گفته معاون امداد و نجات هلال احمر ۳۱ تیم با کمک سگ‌های زنده‌یاب مشغول جست‌وجو درمیان ویرانه‌ها برای یافتن مردم و مصدومان هستند.

نجات نوزاد از زیر کور

دیروز وبا تلاش نیروهای امداد و نجات نوزادی پس از ساعت‌ها، زنده از زیر آوار زلزله در سرپل ذهاب بیرون کشیده شد اما ازسرنوشت پدر و مادر نوزاد خبری نیست.

هشدار پیشگیری قانونی درمورد کفن بدون مجوز

مدیرکل مدیریت بحران سازمان پزشکی قانونی کشور از خانواده‌های جان باختگان حائنه زلزله اخیر درخواست کرد برای حفظ حقوق قانونی قربانی‌ها بازامدادگان، از تدفین بدون صدور جواز دفن پزشکی قانونی اموات بشتت خودداری کنند. وی تأکید کرد، متخصصان پزشکی قانونی در کوتاه‌ترین زمان، جواز دفن جان باختگان را صادر می‌کنند.

حضور کسرت‌ده‌پایس درمناطق

فرمانتسده انتظامی از فعالیت مجموعه‌های پرورزی ناجا در امدادرسانی به مناطق زلزله زده کرمانشاه خبر داد. سردار اشتری روز دوشنبه در بازدید از مناطق زلزله زده کرمانشاه اظهار داشت: وضعیت از شهرستان‌ها بدتر است، نیاز مبرم اسکان و تهیه آب آشامیدنی از جمله مهم‌ترین مشکلات روستاها اطراف این شهرستان‌ها به حساب می‌آید.در حال حاضر وضعیت شهرستان سرپل ذهاب از دیگر شهرستان‌ها بدتر است و با توجه به حجم خسارت و سرگردانی مردم نیاز است مسولان برای کمک‌رسانی شتاب بیشتری داشته باشند.

روستاییان زلزله زده چشم انتظار کمک‌رسانی

تا عصر دیروزهیچ گروه امدادی به روستای زلزله‌زده «چشمه سفید» از توابع شهرستان دالاهو مراجعه نکرده بود.مردم به همین خاطر از مسولان گله‌مند بودند.این درحالی است که گفته شده روستای مذکور در پی زلزله ۷٫۳ ریشتری شامگاهیکشنبهکماالاتخریب‌شده است. اهالی این روستادر تماس تلفنی باخبرنگار «ایران آنلاین» گفتند:مأسفانه به دنبال وقوع زلزله ما مراجعه نکرده است. ما نیاز به مواد غذایی نداریم و تنها درخواستمان از مسولان استانی وکشور این است حداقل به روستای ما نیز امدادرسانی داشته باشند و به ما بی‌خانمانان حداقل چادر بدهند تا بتوانیم به طور موقت اسکان بیابیم.

نجات مادر و دختر با کمک سگ‌های

زند باب

با کمک سگ‌های زنده‌یاب، عصر